

## اعتقادات امامیه در کلام شیخ حر عاملی؛ کاوشی بر محور الفصول المهمة فی اصول الائمه (ع)

علی فتحی تازه‌کند\*

### اشاره

این مقاله گزارشی تفصیلی از دیدگاه‌های اعتقادی شیخ حر عاملی عرضه می‌دارد. برای بیان تقریر وی از اعتقادات امامیه، یکی از آثارش با عنوان *الفصول المهمة فی اصول الائمه* محور قرار گرفته و در عین حال تلاش شده که با مراجعه به تمام آثار وی تصویر جامعی از دیدگاه‌های کلامی‌اش عرضه شود. شیخ حر عاملی از محدثان مشهور امامیه و از بزرگان علمای اخباری است. به نظر وی آنچه در روایات ذکر شده وافی به مقصود است. بر همین اساس، وی در این کتاب تلاش دارد تمام معارف را با نقل آیات و روایات و استناد مستقیم بدانها عرضه بدارد. به نظر وی، برای تبیین عقاید نیازی به ادله عقلی ظنی نیست و روا نیست که ظاهر روایات با استناد به این قبیل ادله ظنی تأویل گردد. بر همین اساس، وی دیدگاه برخی از متکلمان امامی همچون شیخ مفید را که ظاهر برخی از روایات را تأویل کرده‌اند رد می‌کند. شیخ حر برای فلسفه و تصوف در مسائل اعتقادی اعتباری قائل نیست و دیدگاه‌های فیلسوفان و صوفیان را با استناد به ادله عقلی و نقلی رد می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اعتقادات، شیخ حر عاملی، احادیث اعتقادی، *الفصول المهمة*، تصوف

---

\* پژوهشگر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب وابسته به دانشگاه ادیان و مذاهب.

### زندگی نامه علمی شیخ حر عاملی

محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین حر عاملی مشغری (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۱/۱)، یکی از محدثان مشهور امامیه و از بزرگان علمای اخباری در شب جمعه هشتم رجب ۱۰۳۳ق، در روستای مشغری از توابع جبل عامل لبنان دیده به جهان گشود (سبحانی، ۱۴۲۲: ۲۶۷/۱۲). او تحصیلات ابتدایی را از سنین کودکی در نزد پدر و نیز عمویش، شیخ محمد حر و جد مادری‌اش، شیخ عبدالسلام بن محمد حر<sup>۱</sup> و دایی پدرش، شیخ علی بن محمود<sup>۲</sup> آغاز کرد. بعد از مدتی به قریه جبع مسافرت کرد و در آنجا بعضی دیگر از کتب زبان و ادبیات عربی، ریاضی، حدیث، فقه و دیگر علوم را نزد شیخ زین‌الدین بن محمد بن حسن بن شهیدثانی،<sup>۳</sup> و شیخ حسین بن حسن بن یونس ظهیری<sup>۴</sup> آموخت (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۷۰/۱). از اساتید و شیوخ دیگر شیخ حر می‌توان به این اشخاص اشاره کرد: مولی محمدباقر مجلسی،<sup>۵</sup> فیض کاشانی،<sup>۶</sup> مولی محمدطاهر بن محمدحسین شیرازی نجفی قمی،<sup>۷</sup> سید محمد بن علی بن نعمت الله موسوی جزائری مشهور به سید میرزا جزائری نجفی،<sup>۸</sup> شیخ علی نواده شهیدثانی،<sup>۹</sup> محقق خوانساری<sup>۱۰</sup> و سید هاشم توبلی بحرانی<sup>۱۱</sup> (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۵/۱).

شیخ حر عاملی در سال ۱۰۵۱ق، موفق به دریافت اولین اجازه نقل روایت از حسین بن حسن بن یونس بن ظهیرالدین عاملی می‌شود (حرعاملی، ۱۴۲۹: ۱۷۰/۳۰). وی اولین اثر خود به نام *الصحیفة الثانیة من ادعیه علی بن الحسین (ع)* را در سال ۱۰۵۳ق به اتمام رساند. این کتاب حاوی دعاهایی از امام سجاد (ع) است که در کتاب *صحیفة سجادیه* کامله ذکر نشده است (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۰/۱۵). وی در سال ۱۰۵۶ق کتاب *الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة* را به اتمام رساند (حرعاملی، ۱۴۰۲: ۲۹۵).

شیخ حر عاملی تا چهل سالگی در منطقه جبل عامل لبنان زندگی می‌کند و در این مدت دو بار حج به جا می‌آورد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۲/۱). اولین حج او در سال ۱۰۵۷ق (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۲۰/۱) و حج دومش در سال ۱۰۶۲ق بوده است که در آن خبر وفات پدرش را در راه خراسان به او می‌رسانند (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۶۶/۱). در سال ۱۰۶۳ق، رساله‌ای در احوال جماعتی از صحابه پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) می‌نگارد. در این رساله، نام ۴۸۱ نفر از صحابه پیامبر و امیرالمؤمنین (ع) ذکر شده که ۳۸ نفر از آنها راویان زن هستند (حرعاملی، ۱۳۴۴: ۱۲۶). در این رساله، صرف صحابی بودن را

برای اصحابی که مدح و ذم خاصی در مورد آنها وارد نشده، نوعی مدح دانسته است (حر عاملی، ۱۳۴۴: ۲).

در سال ۱۰۷۳ ق بعد از زیارت قبور ائمه اطهار (ع) در عراق برای زیارت امام علی بن موسی الرضا (ع) عازم طوس می شود و همان جا مجاور امام هشتم (ع) می گردد (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۴۸/۱). در ماه شعبان سال ۱۰۷۳ ق رساله فی الغنا (حر عاملی، ۱۳۸۷: ۱۸۴) و در سال ۱۰۷۶ ق رساله الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه را می نویسد (حر عاملی، ۱۳۹۰: ۱۸۴). در رساله اخیر هزار حدیث در رد اعتقادات و اعمال صوفیه بیان شده است (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۴/۱). وی در همین سال رساله خلق الکافر و ما یناسبه را به اتمام می رساند (آقایزنگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۴۶/۷). در سال ۱۰۷۸ ق کتابی با عنوان التنبیه بالمعلوم من البرهان فی تنزیه المعصوم عن السهو و النسیان تألیف می کند (حر عاملی، ۱۳۸۹: ۱۸۹). در این اثر، استدلال و شبهه کسانی که فراموشی در عبادت را از سوی معصومین (ع) روا دانسته اند رد شده و به پاره‌ای از ادله نقلی و عقلی در این زمینه اشاره شده است. یک سال بعد در سال ۱۰۷۹ ق رساله‌ای در موضوع رجعت با عنوان الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه می نویسد (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۴۳۰) و آیات و روایاتی را در ارتباط با رجعت و امکان و وقوع آن در این امت و امت‌های گذشته مطرح می کند و در پایان به شبهات پیرامون رجعت پاسخ می دهد.

شیخ حر عاملی مشهورترین اثر خود یعنی کتاب وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه را پس از تلاش بسیار در همین سال‌ها به پایان می رساند. این کتاب تمامی احادیث فقهی موجود در کتب اربعه و سایر کتب مورد اعتماد شیعه را دربر دارد (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۲/۱). این کتاب در سه مرحله تألیف شده است: مرحله اول مرحله جمع، تألیف، اضافه و حذف است که تا سال ۱۰۷۲ ق ادامه داشته است. مرحله دوم مرحله تهذیب و اخراج از پیش نویس به پاک نویس دوم بوده که در سال ۱۰۸۲ ق به اتمام رسیده است. مرحله سوم مرحله دقت در تهذیب و تصحیح و نیز دقت در مقابله بوده که در سال ۱۰۸۸ ق به پایان رسیده است (حر عاملی، ۱۴۲۹: ۱۰۴/۱).

شیخ حر در سال ۱۰۸۵ ق در سفری به اصفهان با علمای آن شهر از جمله علامه مجلسی دیدار داشته که در این دیدار هر دو نفر به یکدیگر اجازه نقل روایت می دهند (حر عاملی، ۱۳۶۲: ۴۸/۱). وی در این سفر ملاقاتی هم با شاه سلیمان صفوی داشته است.

بعد از بازگشت به مشهد، قاضی القضاة و شیخ الاسلام آن منطقه می‌شود (امین، ۱۴۰۳: ۱۶۷/۹). بعضی هم اعتقاد دارند که منصب قضاوت را نپذیرفته است (سبحانی، ۱۴۲۲: ۲۶۸/۱۲).

وی در سال ۱۰۸۶ق اثری مهم در دفاع از قرآن با عنوان *رسالة فی اثبات تواتر القرآن* می‌نویسد (حرعاملی، ۱۴۲۹: ۱۲۴). در این رساله ۱۲ وجه در اثبات تواتر قرآن و عدم تحریف آن بیان کرده و به شبهات کسانی که به عدم تواتر قرآن اعتقاد دارند، پاسخ داده است.

وی در مدت سکونت در طوس دوبار حج بجا می‌آورد و دو بار هم به زیارت قبور ائمه اطهار (ع) در عراق مشرف می‌شود (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۲/۱). در حج دوم فتنه بزرگی در مکه روی می‌دهد که به کشتار جمعی از علما و سادات توسط عثمانی‌ها منجر می‌شود. شیخ حر به کمک یکی از اشراف مکه مخفیانه به یمن رفته و از آنجا به ایران باز می‌گردد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۵۰/۱).

او در سال ۱۰۸۸ق کتاب *من لایحضره الامام* را که فهرستی از کتاب و سایل الشیعه است به اتمام می‌رساند (حرعاملی، ۱۴۲۹: ۱۰۳/۱). این اثر شامل عناوین ابواب، تعداد و مضمون احادیث کتاب و سایل الشیعه است (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۲/۱). در همین سال‌ها کتاب *هدایة الامه الی احکام الائمة* را که منتخبی از کتاب و سایل الشیعه است، با حذف اسانید و مکررات، تألیف می‌کند (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۲/۱). وی در حدود سال ۱۰۹۰ق کتاب دیگری را با عنوان *الفوائد الطوسیه* می‌نویسد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۱۷/۱۰). این کتاب مجموعه پاسخی‌های وی به سؤالات گوناگون حدیثی، فقهی، اصولی، کلامی، رجالی و... است که در ضمن ۱۰۲ فایده بیان شده است (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۵۵۲). در سال ۱۰۹۱ق اثر دیگری را در فقه با نام *بداية الهدایة* که شامل واجبات و محرّمات منصوصه است، می‌نویسد (حرعاملی، ۱۳۴۳: ۱۷۵). در سال ۱۰۹۶ق یکی دیگر از آثار ارزشمند خود را با نام *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، به رشته تحریر در می‌آورد (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۴۹۵/۷). این کتاب حاوی بیش از بیست هزار حدیث از کتب اهل سنت و شیعه (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۳/۱) در اثبات نبوت پیامبر اسلام (ص) و امامت امامان دوازده‌گانه شیعه از طریق بیان نصوص و معجزات است.

او کتاب *الفصول المهمه فی اصول الائمة* را در ماه ربیع الاول ۱۰۹۷ق به پایان

می‌رساند (حرعاملی، ۱۳۷۶: ۴۱۵/۳). وی در همین سال تألیف کتاب *امل الامل* (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۳۷۲/۲) را تألیف می‌کند. این کتاب در دو قسمت تنظیم شده است: قسمت اول به معرفی علمای منطقه جبل عامل لبنان می‌پردازد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۲۴/۱) و قسمت دوم شرح حال علمای مناطق دیگر از زمان شیخ طوسی تا زمان مؤلف را بیان می‌کند (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۵/۲). وی آثار بسیاری را در این کتاب از خود نام برده که در بخش کتاب‌شناسی<sup>۱۲</sup> به آنها اشاره خواهد شد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۴۳/۱).

وی بعد از هجرت به طوس در حرم شریف رضوی حلقه درسی بزرگی داشته و کتاب *وسایل الشیعه* خود را تدریس می‌کرده است. از جمله شاگردان و رابوایی که از وی اجازه روایت داشته‌اند، افراد ذیل هستند: شیخ مصطفی بن عبدالواحد بن سیار الحویزی،<sup>۱۳</sup> شیخ محمدرضا بن محمد بن حسن،<sup>۱۴</sup> شیخ حسن بن محمد بن حسن حر،<sup>۱۵</sup> سید محمد بن محمد باقر حسینی اعرجی،<sup>۱۶</sup> سید محمد بن محمد بدیع رضوی،<sup>۱۷</sup> سید نورالدین جزایری،<sup>۱۸</sup> مولی محمد فاضل بن محمد مهدی مشهدی<sup>۱۹</sup> (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۱۶/۱-۱۸).

شیخ حر عاملی سرانجام در ۲۱ رمضان المبارک ۱۱۰۴ ق در سن ۷۲ سالگی رحلت کرد و در حجره‌ای از حجره‌های صحن عتیق حرم شریف رضوی، جنب مدرسه میرزا جعفر به خاک سپرده شد (حرعاملی، ۱۴۲۹: ۸۷/۱).

### نگاهی اجمالی به ساختار و محتوای کلی کتاب

شیخ حر عاملی در کتاب *الفصول المهمة فی اصول الائمة* که به درخواست عده‌ای از علما و فضلا نگاشته، در پی آن است که نمایی کلی از تعالیم اعتقادی و عملی اسلام را به زبان حدیث بیان کند. در مقدمه کتاب آمده است که احادیث صحیح و معتبر در ابعاد مختلف اعتقادی و عملی به اندازه کافی وجود دارد و می‌توان به وسیله این احادیث منقول از معصومین به کلیات و جزئیات دین علم پیدا کرد. پس نباید به سراغ استنباطات ظنی و ادله ضعیف عقلی و روش‌های ابداعی غیر شرعی رفت. اهل سنت این روش‌های ابداعی را برای دوری‌گزینی از اهل بیت (ع) اختراع کرده‌اند. به نظر شیخ حر عاملی بعضی از علمای متأخر امامیه<sup>۲۰</sup> از این‌که اکثر این استنباطات ظنی فاسد است، غفلت کرده‌اند و در نتیجه در برخی از احکام جزئی شرعی با احادیث صحیح مخالفت ورزیده‌اند (حرعاملی، ۱۳۷۶: ۷۷/۱-۷۹).

کتاب *الفصول المهمة فی اصول الائمة* از یک مقدمه و دوازده فایده و پنج بخش تشکیل شده است. در بخش نخست روایات مشتمل بر اصول اعتقادی در ۱۲۰ باب بیان شده است. سپس در بخش دوم روایات مشتمل بر کلیات اصول فقه در ۸۶ باب ذکر شده است. ابواب این بخش گزارش روایاتی است که با اصول فقه مرتبط است، مانند حجیت اخبار فقه، وجوب عمل به احادیث متواتر، چگونگی نسخ و منسوخ و ظواهر کتاب. در سومین بخش، کلیات متعلق به فروع فقه را در ۴۶ کتاب فقهی آورده است. این بخش در حقیقت گزیده کتاب *وسائل الشیعه* است که در ذیل عناوین باب‌ها، روایاتی را با حذف سند آورده است. در چهارمین بخش از کتاب، روایات مشتمل بر کلیات متعلق به طب و مطالب مرتبط با آن در ضمن ۱۴۱ باب ذکر شده است. نویسنده سرانجام در پنجمین بخش، روایات موضوعات متفرق را با عنوان نوادر الکلیات در ۱۳۸ باب بیان کرده است. عنوان نوادر مشتمل بر روایاتی است که ذیل عناوین گذشته نمی‌گنجیده و در موضوعات مختلفی همچون تاریخ، سنن، آداب، وعظ و... است. این کتاب در مجموع ۳۱۹۴ حدیث را دربر دارد.

شیخ حر عاملی در ابتدای کتاب بعد از بیان مقدمه، فوایدی را پیرامون حجیت نص عام و شمول افرادی آن و همچنین مباحثی در موضوع الفاظ، صیغ عموم، تخصیص عام، استدلال به عام قبل از فحص و مطالبی دیگر بیان می‌دارد و در پایان این نکته را متذکر می‌شود که علمای اصول و ادبیات عرب مسئله عام و خاص را بررسی و آن را طولانی کرده‌اند و اکثر مباحثی که مطرح نموده‌اند دلیل تام و فایده قابل توجهی ندارند؛ این در حالی است که در احادیث ما قرائن بلکه تصریحات، به اندازه کافی وجود دارد و ما به برکت ائمه اطهار (ع) به این مباحث نیازی نداریم. علمای اهل سنت چون در احکام شرعی فرعی به اندازه کافی احادیث صحیح ندارند، نیازمند چنین مسائلی در اصول و ادبیات عرب هستند.

بعد از ذکر مقدمه و فواید، بخش اول کتاب را به اصول دین اختصاص داده است و روایات مرتبط با اصول اعتقادی را در ۱۲۰ باب با عناوین مختلف بیان کرده است. وی در این بخش تقسیم‌بندی و تعریفی مشخص و کلی از اصول اعتقادی بیان نکرده؛ ولی از چیشش عناوین ابواب می‌توان حدس زد که مباحث اصول اعتقادی را به ۳ بخش کلی

توحید، معاد و حجت، تقسیم کرده است. وی بعد از ذکر آیاتی چند از قرآن کریم در باب اول و مباحثی پیرامون عقل در ابواب ۲ تا ۷، ابواب ۸ تا ۶۲ را به مباحث توحید اختصاص داده و در ابواب ۶۳ تا ۸۴ مسائل معاد را مطرح کرده و در نهایت ابواب ۸۵ تا ۱۲۰ را غالباً به مباحث نبوت و امامت اختصاص داده است. در مجموع بخش اصول دین شامل ۶۳۳ حدیث است.

شیوه وی در این کتاب به این صورت است که نخست عنوان باب را ذکر می‌کند؛ آنگاه روایاتی را که بدان عنوان دلالت دارد، می‌آورد. بعد از ذکر اخبار اگر نظری داشته باشد با لفظ «اقول» بیان می‌کند و غالباً مطالب هر باب را با جمله: «اقول الایات و الروایات و الادلة فی ذلک اکثر من أن تحصی» به پایان می‌رساند.

اکثر روایات کتاب *الفصول المهمه* از کتب اربعه یا از دیگر کتب صاحبان کتب اربعه، اخذ شده است. وی همان‌طور که در فایده نهم از خاتمه کتاب *وسایل الشیعه* بیان کرده، به صحت و قطعیت احادیث موجود در کتب اربعه و مورد اعتماد بودن مؤلفان آنها باور دارد.

### گزارش تفصیلی از *الفصول المهمه*

قبل از گزارش تفصیلی محتوای کتاب *الفصول المهمه*، سه نکته مهم باید مورد توجه قرار گیرد:

نخست آن که صاحب کتاب *الفصول المهمه*، گاه مطالب درباره موضوع واحد را به صورت پراکنده در ابواب مختلف ذکر کرده است. به همین جهت، در مقام گزارش *الفصول المهمه* برای اینکه مطالب مربوط به موضوع واحد به صورت یکجا بیان شوند، در عین تلاش برای حفظ چینش اصلی ابواب کتاب، گاه از آن تخطی کرده‌ایم.

دوم آنکه در عین حال که محور اصلی مطالب مقاله کتاب *الفصول المهمه* است، به تمامی کتب شیخ حر عاملی مراجعه شده تا اگر در کتاب‌های دیگر وی مطلب مهمی در موضوع مورد نظر وجود داشته، بدان‌ها نیز اشاره شود.

سوم آنکه عناوینی که ذیلاً می‌آیند، عناوینی نیستند که عیناً در کتاب *الفصول المهمه* آمده است؛ بلکه عناوینی هستند که نگارنده مقاله برگزیده است.

### تواتر و حجیت قرآن

شیخ حر عاملی قرآن را معجزه‌الاهی، دلیلی مستقل و برهانی قاطع شمرده و معتقد است ثبوت اعجاز قرآن متوقف بر ثبوت نبوت پیامبر گرامی اسلام نیست؛ بلکه قرآن دلیلی بر نبوت پیامبر اسلام است (حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱۲/۱). وی در رساله فی تواتر القرآن هرگونه زیادی، تغییر و تحریف در قرآن را مردود دانسته و با تأکید بر تواتر قرآن برای اثبات تواتر به دوازده وجه اشاره می‌کند که بعضی از وجوه آن از این قرار است: اجماع جمیع مسلمین، ضروری دین بودن تواتر قرآن، روایات متواتر در امر به تعلیم قرآن موجود و وعده ثواب برای قرائت سوره‌های آن، روایات متواتر در امر بر عرضه احادیث بر قرآن در هنگام تعارض، و روایاتی که عمل بر قرآن را واجب دانسته‌اند (رک: حرعاملی، ۱۴۲۹: ۳-۵۷). وی در ادامه ضمن مطرح کردن بعضی از شبهات موجود در مورد کیفیت جمع‌آوری آیات و سوره‌های قرآن و کثرت قرائت‌ها و روایات تحریف، بدان‌ها پاسخ داده است (رک: حرعاملی، ۱۴۲۹: ۸۹-۱۲۵).

شیخ حر عاملی در اولین باب از ابواب اصول اعتقادی در کتاب الفصول المهمه، آیات قرآنی بسیاری را در اصول و فروع دین ذکر کرده است. وی با تقسیم احکام به دو قسم احکام نظری و غیرنظری، برای استنباط احکام نظری از ظواهر قرآن، شرایطی را بیان می‌کند. از جمله این شرایط معرفت و شناخت نسبت به تفسیر، ناسخ و منسوخ، و محکم و متشابه، از طریق ائمه معصومین (ع) است (حرعاملی، ۱۳۷۶: ۱/۵۹۴). وی بدون تحقق این شرایط، ظواهر قرآن را در احکام نظری حجت نمی‌داند. او ظواهر آیات قرآنی را در غیر احکام نظری حجت می‌داند؛ همچون اثبات امامت و حجیت اقوال ائمه، آیات توحید، عدل، قیامت، تکلیف بما لایطاق که ادله عقلی قطعی مؤید آن است، حکم و آداب نافع متواتر و ضروری مثل آیات وعظ، تذکیر، و مطالب دیگری که برای دین و دنیای انسان مفید است (رک: حرعاملی، ۱۴۰۳: ۱۹۵-۱۸۶). استناد و استدلال به ظواهر آیات قرآنی در دو کتاب الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة و رساله الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه، زیاد به چشم می‌خورد.

### اعتبار عقل

شیخ حر عاملی با بیان احادیثی بر جایگاه عقل و اهمیت و ارزش آن نزد خداوند تأکید



می‌کند (باب ۲) و عمل کردن به ادله عقلیه‌ای را که حجیت ادله نقلیه را اثبات می‌کنند واجب می‌شمارد (باب ۳). وی این مطلب را بدیهی دانسته و برای اثبات آن از آیات و روایات استفاده کرده است؛ ولی این استدلال را استدلال حقیقی ندانسته؛ بلکه ذکر آیات و روایات را مؤیدی برای دلیل عقلی دانسته است. وی در جایی دیگر مستقیماً به حجیت مقدمات عقلی قطعی یقینی اشاره کرده است (حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱/ ۴۰-۴۲)؛ ولی حجیت عقل را فقط تا جایی معتبر می‌داند که به اطاعت الاهی و متابعت از دین منتهی شود (باب ۴).

وی معرفت اجمالی را ضرورتی فطری و الاهی می‌داند و این معرفت را اکتسابی نمی‌داند و معرفت تفصیلی از دین را هم به کتاب و سنت محدود می‌کند (باب ۵). وی در کتاب *اثبات الهدات* ضمن اشاره به نام محمدامین استرآبادی و سید رضی‌الدین علی بن موسی بن طاوس، مطالبی را در معرفت فطری از آنها نقل می‌کند؛ سپس برای اثبات صانع به تتبع و استقراء در میان عقلا اشاره می‌کند: «هیچ عاقل و حتی بچه ممیزی شک ندارد که انسان فی نفسه خودش را خلق نکرده؛ بلکه معتقد است کس دیگری انسان را خلق کرده است. همه عقلا بر وجود خالق و مؤثری فی‌الجمله جازم هستند و معتقدند موجود دیگری انسان را خلق کرده؛ هرچند در تفصیل آن، اختلاف نظر دارند. پس معرفت اجمالی، معرفتی فطری و ضروری است» (رک: حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱/ ۵۳-۵۴). او ضمن اینکه رجوع به ادله منقول از پیامبر و ائمه (ع) را در تمامی احکام واجب می‌داند، معتقد است که ادله عقلیه موافق کتاب و سنت به اندازه کافی در روایات وجود دارد و مراجعه به ادله واهی منقول از فلاسفه، اهل سنت و دیگران لازم نیست (رک: حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱/ ۶۱). به نظر وی در اعتقادات، عمل کردن به ظنون و آراء شخصی جایز نیست و همچنین عمل کردن به ادله‌ای که در علم کلام ارائه شده، ولی از طریق ائمه (ع) ثابت نشده جایز نیست (باب ۶). هرگونه تقلید از دیگران در اعتقادات مردود است و تنها مرجع برای دریافت مسائل اعتقادی، پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) هستند (باب ۷). وی رجوع به راویان احادیث را در آنچه که از پیامبر (ص) و ائمه (ع) نقل می‌کنند، واجب می‌داند (حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱/ ۷۱). ممکن است این سخن شیخ حر عاملی ناظر بر سخن دیگری در رد صوفیه باشد آنجا که می‌گوید: «گروهی از صوفیان کسانی هستند که در اعتقادات یا به تعبیری در اتکا و اعتماد خود نسبت به احادیث منقول از اهل بیت

عصمت و طهارت (ع) بدبین‌اند، به‌گونه‌ای که آشکارا به دشمنی با علما و محدثان پرداخته‌اند. یکی از آنها اظهار داشته: من کتب اربعه حدیث را به یک درهم فروختم و با آن عشقی را خریدم. گروهی دیگر از آنان از حد و مرز خود پا را فراتر نهاده به صراحت هیچ‌گونه حجیتی برای احادیث قائل نشده‌اند و گفته‌اند: احادیث نه افاده علم می‌کنند، نه افاده ظن و عمل به آنها به هیچ‌وجه جایز نیست؛ لکن این سخنان ادعایی بدون دلیل است و با شرع و اجماع شیعه نیز مخالفت دارد. عده‌ای از این افراد از اهل علم و شرع بی‌زاری می‌جویند و به بهانه‌های بی‌پایه و اساس آن را توجیه می‌کنند... این دسته از صوفیان با متشرعین در آنچه که موافق با شرع است، مخالفت می‌کنند. طوایف دیگری از ایشان بیشتر دستورات دین را تأویل و توجیه می‌کنند و سایر دستورات موجود در کتاب و سنت را به ادعای اینکه آنان از اهل باطل‌اند از معنای ظاهری آن دور می‌سازند و همین عمل موجب می‌شود آنچه را خداوند حلال کرده، حرام و آنچه را حرام نموده، حلال بشمارند» (حرعاملی، ۱۴۳۲: ۲۸۰-۲۷۹).

شیخ حر عاملی در برخی از آثارش ثبوت حسن و قبح عقلی را می‌پذیرد؛ لکن ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع را قبول نداشته و وجوب و حرمت را شرعی می‌داند و حکم عقل را در احکام شرعی دلیل مستقلی به‌شمار نمی‌آورد (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۳۶۸).

### توحید و خداشناسی

شیخ حر عاملی، باب ۸ تا ۶۲ از کتاب *الفصول المهمه* را به مباحث توحید و خداشناسی اختصاص داده است.

### قدیم‌بودن خداوند و حدوث عالم

شیخ حر عاملی معتقد است که تنها موجود قدیم، خداوند است (باب ۸). خداوند واحد است و شریکی در ربوبیت ندارد (باب ۹). او در صفات و ذات خود شباهتی به مخلوقات ندارد و مخلوقات نیز شباهتی به او ندارند (باب ۱۰). وجود هر مخلوقی بر خالقش توانا و عالم دلالت دارد (باب ۱۱). تمامی مخلوقات عالم حادث و مسبوق به عدم هستند (باب ۱۲).

شاید شیخ حر عاملی به هنگام نگارش الفصول المهمة نظری هم به رد عقاید باطل صوفیه دارد. وی در باب ۱۲ رساله اثنی عشریه که در رد صوفیه است، می‌گوید: «این جماعت به مسلک فلاسفه و حکما، تمایل نشان می‌دهند و به جبر و قدیم‌بودن جهان هستی و مطالبی از این دست اعتقاد دارند. از برخی آنها تمایل به این امور برمی‌آید و بعضی نیز بدان تصریح کرده‌اند» (حرعاملی، ۱۴۳۲: ۲۸۰).

### نفی حلول و اتحاد

خداوند مکانی ندارد و در مکانی نیز حلول نمی‌کند. روایاتی که خداوند را در همه‌جا حاضر دانسته، به علت استحاله حقیقی، مجاز شمرده می‌شود و به احاطه علم و قدرت الهی تفسیر می‌شود (باب ۱۷). وی در رساله اثنی عشریه اعتقاد به حلول، اتحاد و وحدت وجود را باطل دانسته و آن را به صوفیان نسبت می‌دهد و برای رد این اعتقاد دلایل عقلی و نقلی مطرح می‌کند که بعضی از آنها به اجمال ذکر می‌شود:

الف) عارفان به طور قطع متعددند. در صورت اتحاد خدای متعال با هر یک از عارفان، لازم می‌آید ذات مقدس خداوند قابل انقسام باشد و هر حلول‌کننده‌ای در هر یک از عارفان، بخشی از ذات الهی شمرده شود. اگر حلول‌کننده، تمام ذات خداوند باشد تعدد ذات لازم می‌آید. کلیه این لوازم بالضروره باطل است.

ب) آیات و روایات بسیاری اعتقاد به حلول و اتحاد را باطل می‌دانند.

پ) این اعتقاد، مفاسد زشت و لوازم تفرانگیزی در بر دارد از قبیل ادعای الوهیت، ادعای آگاهی از اخبار غیبی، سقوط تکالیف، بطلان نبوت و امامت، و امکان صدور کارهای زشت همچون ظلم، ستم و کفر از خداوند.

ت) اجماع بر فاسدبودن این مسلک وجود دارد.

ث) احادیثی از ائمه اطهار (ع) در تأویل و توجیه آیات و روایاتی که در ظاهر حاکی از حلول و اتحاد هستند، وارد شده است (رک: حرعاملی، ۱۴۳۲: ۷۹-۱۱۰).

### نفی رؤیت خداوند

شیخ حر عاملی درک و شناخت حقیقت و کنه ذات و صفات الهی را محال می‌داند

(باب ۱۸) و معتقد است که حواس، خداوند را درک نمی‌کنند (باب ۱۳). خداوند در دنیا و آخرت و در خواب و بیداری قابل رؤیت نیست (باب ۱۹). حتّی قوه واهمه انسان نیز از درک خداوند عاجز است و در روایات هر آنچه که موهم رؤیت باشد، تأویل شده است (باب ۲۰). مقصود از رؤیتی که در ادعیه و احادیث مطرح شده رؤیت قلبی است (حرعاملی، ۱۴۰۲: ۲۹).

### صفات ذات و صفات فعل

خداوند ازلی، ابدی و سرمدی است و برای وجودش اول و آخری متصور نیست (باب ۱۶). صفات ذات الاهی زائد و مغایر با ذاتش نیستند (باب ۲۳)؛ بلکه این صفات قدیم و عین ذات الاهی هستند (باب ۲۴). ذات و صفات ذات الاهی تغییرناپذیراند (باب ۲۶). صفات فعل الاهی نیز حادث و عین فعل خداوند هستند (باب ۲۵).

### اختصاص تجرد به خداوند

تنها موجود مجرد خداوند است. شیخ حر از زبان بعضی از علمای امامیه برای نفی مجردات دیگر، وجوهی ذکر می‌کند که از جمله می‌توان به آیه «لیس کمثله شی» (شوری: ۱۱)، اشاره کرد. این آیه شاهدی است بر اختصاص تجرد به خداوند؛ چرا که اگر مجرد دیگری غیر از خداوند وجود داشته باشد، لازم می‌آید خداوند شبیه و مثل داشته باشد. به همین دلیل بعضی از کسانی که مقلد فلاسفه هستند به نوعی از تشبیه قائل شده‌اند؛ در حالی که ائمه (ع) تشبیه را نفی کرده‌اند.

سخن کسانی که به وجود عقول مجرد اعتقاد دارند، لوازمی در پی دارد که هیچ کدام صحیح نیستند: از قبیل مشارکت با خداوند در وصف مجردبودن، عدم جواز تغییر در مجردات، علم به هر چیزی بدون آموختن از کسی، صدق اسماء حسنی بر آنها، و بلکه اولی و برتر بودن مجردات بر خداوند؛ چرا که به نظر ایشان از خداوند جز فعل واحد صادر نمی‌شود و آن فعل واحد هم عقل اول است؛ در حالی که از مجردات فعل کثیر صادر می‌شود. شیخ حر عاملی با اشاره به بعضی از روایات، روح و عقل را جسم<sup>۲۱</sup> می‌داند (باب ۲۶).

### عدم جواز عبادت اسماء الاهی

عبادت اسماء الاهی به تنهایی یا حتّی همراه با ذات الاهی جایز نیست؛ بلکه در عبادت باید مسمی به، یعنی ذات الاهی مد نظر باشد نه چیز دیگر (باب ۱۵).

### حادث بودن اسماء الاهی

به نظر شیخ حر عاملی همه اسماء الاهی، حادث و مخلوق هستند و ذات الاهی غیر از اسماء الاهی است. گفتنی است که منظور وی از مخلوق بودن اسماء الاهی، صورت لفظی و کتبی اسماء است که مخلوق هستند و همچون ذات خداوند، قدیم نیستند. برای روشن تر شدن مطلب به دو روایت از این باب اشاره می شود:

۱. هشام بن حکم گوید از حضرت صادق (ع) درباره اسماء خداوند و اشتقاق آنها پرسیدم که الله از چه مشتق است؟ حضرت فرمود: نام غیر صاحب نام است. کسی که نام را بدون صاحب نام پرستد کافر است و چیزی پرستیده است و هر که نام و صاحب نام را پرستد کافر است و دو چیز پرستیده است و هر که صاحب نام را پرستد نه نام را، این یگانه پرستی است... ای هشام! کلمه خبز (نان) نامی است برای خوردنی و کلمه ماء (آب) نامی است برای آشامیدنی و کلمه ثوب نامی است برای پوشیدنی و کلمه نار (آتش) نامی است برای سوزنده... .

۲. امام صادق (ع) به زندقی که از او پرسید: خدا چیست؟ فرمود: او رب است، او معبود است، او الله است. اینکه می گویم: الله است، نظرم اثبات حروف: الف، لام، ها، را، با، نیست؛ بلکه رجوع به معنا و چیزی هست که خالق و صانع همه چیز است و مصداق این حروف و معنایی که الله، رحمان، رحیم... نامیده می شود... (باب ۲۷).

وی معتقد است هیچ شباهتی بین معانی اسماء الاهی و معانی اسماء مخلوقات وجود ندارد (باب ۲۸).

### علم و قدرت الاهی

شیخ حر عاملی معتقد است که تمامی معلومات و مقدرات در برابر علم و قدرت الاهی یکسان هستند (باب ۳۰). همه اشیا در داخل کرسی قرار دارند و کرسی و هر

آنچه در آن است، داخل عرش است. وی احاطه عرش بر کرسی را به علم و احاطه علمی تفسیر می‌کند (باب ۳۱). خداوند مخلوقات را بدون استفاده از چیزی آفریده است (باب ۳۲)؛ بدون آنکه نیاز و غرضی نسبت به آنها داشته باشد (باب ۳۳). خداوند عالم به هر معلومی است و یکی از معانی عرش و کرسی علم است (باب ۳۷).

### قضا و قدر؛ نفی جبر و تفویض

وقوع هر چیزی در عالم با قضا، قدر، علم و مشیت الاهی است. این حقیقت، تفویض را باطل می‌کند؛ ولی جبر را اثبات نمی‌کند؛ زیرا این اسباب، به حد اجبار به طاعات و معاصی نمی‌رسند (باب ۳۴). خداوند هر قضائی را که بخواهد، محو و تثبیت می‌کند بدون اینکه تغییری در علم ازلی او پدید آید. به کار بردن لفظ بقاء نسبت به خداوند به صورت مجاز است؛ چون لازمه آن نسبت جهل به خداوند است که محال است. بقاء به لحاظ معنا، نزدیک به نسخ است، با این تفاوت که بقاء مخصوص احکام قضا و قدر است (باب ۳۵). یکی از مصادیق بقاء در وعید یا عذاب الاهی ظاهر می‌شود؛ مثلاً همان‌طور که درباره قوم یونس اتفاق افتاد، ممکن است خداوند وعده عذاب بدهد؛ لکن عذاب نکند (باب ۳۶).

وی تفویض و جبر در افعال بندگان را باطل می‌شمارد (باب ۳۸) و معتقد به ثبوت امر بین الامرین است؛ یعنی نه جبر و نه تفویض. به نظر وی شبهات جبر و تفویض ضعیف است و نباید به ظواهر آیات و روایاتی که موهم تفویض یا جبر است اعتنا کرد (باب ۳۹). شیخ حر بعضی از این احادیث و دعاها را که در کتاب *الجواهر السنیه* ذکر کرده، تأویل و با سایر ادله جمع می‌کند که به یکی از آنها اشاره می‌شود: امام صادق (ع) می‌فرماید: «... خداوند به موسی وحی کرد: ای موسی به درستی که من فرزندان را با سعی پدرانشان پاداش می‌دهم؛ پس اگر خوب بود پاداش خوب و اگر بد بود پاداش بد می‌دهم. زنا نکنید تا با زنانتان زنا نکنند و به درستی که هر کس با زن مسلمانی زنا کند زنش مورد زنا قرار خواهد گرفت. پس همان‌گونه که رفتار کنی جزا داده خواهی شد». شیخ حر، حدیث مذکور را این چنین تأویل می‌کند: اما این گفتار خداوند که همانا من فرزندان را با سعی پدرانشان جزا می‌دهم، با این گفتار خداوند که «وان لیس للانسان الا ما سعی» (نجم: ۳۹) منافاتی ندارد؛ چرا که مراد آیه آن چیزی است که بر

وجه استحقاق باشد و مراد حدیث هر چیزی است که بر وجه تفضل خداوندی باشد. پس اینکه فرموده: اگر عمل خیر بود پس پاداش خیر می‌دهم، یعنی فضل الاهی شامل کسی می‌شود که پدرش کار نیکی انجام داده باشد و گفتارش که فرمود: اگر شر بود پس پاداش بد می‌دهم، یعنی کسی که پدرش کار زشتی انجام داده باشد مشمول آن فضل الاهی نمی‌شود و منع خیر از کسی که مستحق آن باشد جایز است. اطلاق شر بر منع خیر نیز از باب مجاز است و با این گفتار یکی از حکیمان تناسب دارد: «شر کریم و بزرگوار این است که تو را از خیرش بازدارد و خیر انسان غیر کریم این است که شرش را از تو بازدارد». به نظر شیخ حر عاملی با ملاحظه بطلان اجبار بر ارتکاب معاصی، در تتمه حدیث اشکالی باقی نمی‌ماند. اسناد زنا بر زنان، بر صدور آن از روی اختیار دلالت می‌کند نه اکراه و اجبار (حرعاملی، ۱۴۰۲: ۴۴-۴۳).

### نفی جسمیت و اعضا و جوارح از خداوند

خداوند مرکب نیست و اجزائی ندارد و ترکیب و جزء داشتن از خصوصیات مخلوقات است (باب ۱۴). خداوند وصف به کیف نمی‌شود و سؤال از زمان و مکان درباره او معنا ندارد (باب ۲۱). خداوند متصف به حرکت و انتقال نمی‌شود (باب ۲۹). خداوند همسر و فرزند (باب ۴۱) و ضد و مثل ندارد (باب ۴۲). توصیف خداوند به جسم و صورت صحیح نیست (باب ۲۲). او هیچ عضوی نداشته و ساحت مقدس الاهی از این‌گونه اوصاف بری است (باب ۴۳). ممکن است این مطالب ناظر بر سخنان شیخ حر در رد صوفیه باشد آنجا که می‌فرماید: «آنها خدا را جسم دانسته و برایش شبیه قائلند و این موضوع را به صراحت بیان می‌کنند و مدعی هستند که غیر از آنها کسی خدا را نشناخته است. آنان دیدن خدای متعال را با چشم جایز دانسته؛ بلکه مدعی آن هستند» (حرعاملی، ۱۴۳۲: ۲۸۰).

### عدم جواز سخن گفتن درباره ذات و صفات الاهی

شیخ حر عاملی معتقد است سخن گفتن در تمامی مسائل اعتقادی جایز است به استثنای مواردی که در مورد آن نهی وارد شده باشد (باب ۴۶). وی از سخن گفتن و

تفکر در ذات الاهی و نیز غور در مسائل مربوط به توحید بر حذر داشته و به جای آن سزاوار دانسته که انسان در عجایب آثار قدرت الاهی تفکر کند (باب ۴۴). او سخن گفتن و تکلم پیرامون قضا و قدر الاهی را شایسته ندانسته و بجای آن سزاوار دانسته دربارهٔ بداء سخن گفته شود (باب ۴۵).

### خلق افعال

شیخ حر عاملی خداوند را خالق همه چیز به استثنای افعال بندگان می‌داند و معتقد است که افعال انسان توسط خود انسان خلق می‌شود و این نظریه را به مذهب امامیه و معتزله نسبت می‌دهد و اشاعره را قائل به جبر و منکر این نظریه می‌داند. او افعال بندگان و حرکات آنها را از جملهٔ اعراض دانسته و این خلق را به معنای خلق حقیقی، یعنی احداث و ایجاد نمی‌داند؛ بلکه اعتقاد دارد مجازاً به آن خلق اطلاق می‌شود (باب ۴۷).

وی در جایی دیگر پیرامون خلقت خیر و شر تأویلاتی را ذکر می‌کند و می‌فرماید: «می‌توان آفریدن خیر و شر را صرف تقدیر و اندازه‌گیری دانست یا خلقت خیر و شر را به معنای خلقت قوای انسانی و شهوات و اسباب خیر و شر دانست یا این‌گونه روایات را به چیزهایی غیر از افعال بندگان اختصاص داد؛ چرا که ادلهٔ عقلی و نقلی بر عدل خداوندی دلالت دارد و صدور طاعت و معصیت از بنده چنان قطعی است که نمی‌توان دست به تأویل آنها زد» (حرعاملی، ۱۴۰۲: ۴۰).

### هدایت الاهی

خداوند بدون اینکه جبری پیش آید، انسان را به سوی اعتقادات صحیح هدایت می‌کند و اسباب و الطاف الاهی اگر سبب برای طاعت باشد در حقیقت امر بین الامرین را اثبات و جبر و تفویض را باطل می‌کند. وی هدایت الاهی را به دو نوع تقسیم می‌کند: یکی به معنای دلالت و راهنمایی خداوند است که آن را واجب می‌داند و در حقیقت هدایتی عمومی است، و دیگری به معنای ایصال و رساندن است که از لطف الاهی نشأت گرفته و عمومیت ندارد و آن را واجب نمی‌داند (باب ۴۹).



### آجال، ارزاق و اسعار

شیخ حر عاملی معتقد است که برای هر چیزی اجل و وقت معینی وجود دارد. بعضی اجل‌ها قطعی و حتمی است و بعضی دیگر کم و زیاد می‌شود. وی این‌گونه امور را تغییر حکم می‌داند نه تغییر علم ازلی خداوند (باب ۵۱).

خداوند رزق و روزی انسان را به صورت حلال تقسیم کرده است و اوست که رزق و روزی را کم و زیاد می‌کند و اگر کسی از راه حرام به دنبال آن باشد همان حرام رزق او محسوب خواهد شد (باب ۵۲). وی طلب رزق و روزی به اندازه کفایت را بر مردم واجب و بیشتر از آن را برای آسایش خانواده مستحب می‌داند (باب ۵۳).

شیخ حر معتقد است که قیمت کالاها به دست خداوند است که با اراده‌ی الهی کم و زیاد می‌شود؛ اگرچه در بعضی از کم و زیاد شدن قیمت‌ها، مردم نیز دخیل هستند؛ چرا که بطلان جبر و تفویض به اثبات رسیده است (باب ۵۴).

### عدل الاهی

شیخ حر عاملی معتقد است که خداوند هرگز مرتکب ظلم و ستم نمی‌شود (باب ۵۰) و بدون گناه کسی را در دنیا و آخرت عذاب نمی‌کند. علت عذاب عمومی در دنیا، گناه کردن بعضی از مردم و رضایت بقیه مردم به اعمال آنها و یا ترک نهی از منکر است (باب ۵۵). خداوند تا زمانی که حجت را بر کسی تمام نکند او را عذاب نمی‌کند. وی بعضی از روایاتی را که در آنها از الحاق کودکان به پدران‌شان سخن به میان آمده، حمل بر تقیه می‌کند و آن را منافی با عدل الاهی می‌داند (باب ۵۶). شیخ حر معتقد است هر بلا و رنجی که در دنیا بر مکلف وارد می‌شود یا به دلیل عذاب گناه اوست و یا به جهت مصلحتی است که به نفع اوست (باب ۶۱). وی افعال الاهی را معلل به اغراضی می‌داند که آن اغراض به مصلحت بندگان برمی‌گردد و مصالح بندگان ایجاب می‌کند که به آن تکالیف مکلف شوند (باب ۶۲) و به همین سبب، تکلیف و امر و نهی الاهی را واجب می‌داند (باب ۱۱۴).

به نظر شیخ حر مؤمنان از سرشتی پاک و کفار از سرشتی پلید آفریده شده‌اند؛ هر

چند در هر دو، مخلوطی از پلیدی و پاکی وجود دارد. این مسئله منافاتی با عدل الهی ندارد؛ زیرا این موارد از اسباب طاعات و معاصی محسوب می‌شوند و به حد الزام و اجبار نمی‌رسند (باب ۱۰۵).

### احباط و تکفیر

شیخ حر عاملی احباط و تکفیر اعمال را به سبب معصیت و طاعت می‌داند. در کفر و ایمان، احباط و تکفیر را واجب و عام می‌داند. به نظر وی ادله اثبات و نفی احباط و تکفیر با یکدیگر تعارض دارند؛ ولی به این صورت می‌توان بین این ادله را جمع کرد که حبط تمامی اعمال گذشته، زمانی است که شخص با حالت کفر بمیرد و تکفیر تمامی معاصی سابق نیز زمانی است که شخص با حالت ایمان از دنیا برود؛ در غیر این دو مورد، احباط و تکفیر کلی نیست؛ یعنی هر عمل یا معصیتی آثاری دارد که یکی از آثار آن، حبط و تکفیر است؛ ولی این اثر به صورتی نیست که تمامی اعمال و معاصی گذشته را شامل شود (باب ۵۷).

وی معتقد است که ثواب طاعات و عبادات حتماً به صاحبش خواهد رسید مگر اینکه کاری انجام دهد که آن ثواب را از بین ببرد؛ ولی در مورد عذاب گناهکار بر خداوند واجب نیست که او را عذاب کند؛ بلکه جایز است او را با تفضلش عفو نماید؛ مگر عقاب کفر (باب ۵۸). وی در ادامه توبه از تمام گناهان را بر همه گناهکاران واجب دانسته است (باب ۵۹).

### صفات سلبی

شیخ حر عاملی معتقد است که هر چیزی که موجب نقص بر خداوند شود از او صادر نمی‌شود مثل مسخره کردن، استهزا، حيله، فریب، کارهای بیهوده و امثال اینها (باب ۶۰). احتمال دارد این مطالب ناظر بر سخنان شیخ حر پیرامون بطلان کشف یا همان اتحاد و حلول صوفیان باشد آنجا که می‌فرماید: «در این صورت امکان صدور کارهای زشت، ناپسند، تبهکاری، جور، ستم و کفر از ناحیه خداوند وجود دارد» (حرعاملی، ۱۴۳۲: ۹۸).

### معاد

باب‌های ۶۳ تا ۸۴ کتاب الفصول المهمة، به مسائل پیرامون معاد اختصاص دارد؛ ولی عنوانی کلی برای این ابواب ذکر نشده است.

### مرگ همه موجودات زنده

وی مرگ را حکمت و مصلحتی برای مخلوقات می‌داند (باب ۶۳) و معتقد است به استثنای خداوند هر موجود زنده‌ای قبل از قیامت خواهد مرد (باب ۶۴). مؤمن به هر بلایی مبتلا می‌شود و به انواع مرگ‌ها از دنیا می‌رود به جز آن مرگ‌ها و بلاهایی که در روایات استثنا شده است (باب ۶۵). در قیامت ما بین دو نَفَخه به غیر از خداوند تبارک و تعالی، ارواح و هر چیز دیگری نابود می‌شوند (باب ۶۶).

### مشاهده پیامبر و ائمه توسط محتضر

شیخ حر عاملی معتقد است که ملک‌الموت و اعوان و انصار او مسئول قبض روح تمامی موجودات هستند (باب ۶۷) و پیامبر (ص) و ائمه (ع) در هنگام مرگ، نزد هر محتضری اعم از مؤمن و کافر حاضر می‌شوند. انکار این موضوع توسط بعضی از متکلمان، وجهی ندارد (باب ۶۸). وی در کتاب الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه می‌فرماید: در این زمینه حدیث فراوان است. «برقی» در کتاب محاسن حدیث‌های زیادی در این موضوع نقل می‌کند؛ اما شیخ مفید این احادیث را بدین صورت تأویل می‌کند که هرکس در دم مرگ نتیجه دوستی یا دشمنی با پیغمبر و علی (ع) را می‌بیند. سبب این تأویل آن است که بودن یک جسم در یک وقت در دو جا محال است. به نظر شیخ حر عاملی این تأویل، بسیار بعید، بلکه به چند جهت اصلاً بی‌مورد است: اول: حدیث معارض و مخالفی در کار نیست که موجب تأویل شود. دوم: ممکن است آن جناب در یک جای معین باشد؛ اما هر محتضری او را ببیند، چنانکه مرحوم صدوق و دیگر علما روایت کنند که از ملک‌الموت پرسیدند: «چگونه جان این افرادی را که یکی در مشرق است و دیگری در مغرب، می‌گیری؟» فرمود: «تمام دنیا در برابر من مثل یک کاسه در برابر شما است که هرچه بخواهید از آن برمی‌دارید». سوم: ممکن

است این موضوع مخصوص مؤمن کامل و کافر کامل باشد و مرگ این‌گونه اشخاص ماهی یک مرتبه هم اتفاق نمی‌افتد. چهارم: تعبیری در این احادیث هست که دلیل بر دیدن حقیقی است از قبیل گفت‌وگو، سؤال و جواب، نزدیک شدن، از بالا نگرستن و آمدورفت. پنجم: نباید کلامی را بدون سبب تأویل کرد. ششم: خداوند قدرت و فضیلتی به پیغمبر و ائمه (ع) عطا کرده که به دیگران نداده و به شهادت کتاب‌های کافی، بصائر الدرجات و غیره فضائل آنان غیرقابل وصف است. هفتم: اوضاع عالم بعد از مرگ لازم نیست شبیه اوضاع این عالم باشد؛ بلکه بدون شک در بیشتر احکام با هم مخالف هستند. هشتم: در جایی که خداوند چنین قدرتی به عزرائیل و نکیر و منکر داده باشد، چه مانعی دارد که نظیر آن یا بالاترش را به پیغمبر و ائمه (ع) داده باشد؟ خلاصه آنکه به نظر شیخ حر عاملی، نباید از ظاهر این احادیث دست برداشت؛ زیرا تأویل نه فقط وجهی ندارد؛ بلکه مانع هم دارد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۲۲۴-۲۲۶).

### سؤال قبر

شیخ حر عاملی معتقد است که سؤال و جواب در قبر مختص به مؤمن و کافر خالص است و سؤال شوندگان پس از سؤال و جواب یا نعمت داده می‌شوند و یا متحمل عذاب قبر می‌شوند. بقیه انسان‌ها تا روز قیامت مورد سؤال و جواب قرار نمی‌گیرند. سؤالاتی هم که در قبر از انسان می‌شود یا از عقائد است و یا از اعمال، هر چند مانعی در جمع بین آنها نیست (باب ۶۹).

### حیات برزخی

شیخ حر عاملی تناسخ ارواح در بدن‌ها را باطل می‌داند (باب ۴۸). وی ضمن اشاره به زیارت و دیدار ارواح مؤمنان و کفار از خانواده‌هایشان بعد از مرگ (باب ۷۰) بیان می‌دارد که ارواح مؤمنین تا زمانی که در برزخ هستند، در بهشت دنیا با بدن‌های مثالی گرد هم می‌آیند و نیز ارواح کفار هم در این مدت داخل در آتش دنیا خواهند بود (باب ۷۱). ارواح مؤمنان در برزخ از نعمت‌های الهی برخوردارند؛ در حالی که ارواح کفار گرفتار عذاب الهی هستند (باب ۷۲).

### معاد جسمانی

شیخ حر عاملی معتقد است که خداوند در روز قیامت مردگان را زنده و محشور می‌کند و ارواح آنها را به بدن‌های ابتدایی‌شان و اجزاء اصلی‌شان باز می‌گرداند (باب ۷۴).

### احوال روز قیامت

در قیامت همه نسب‌ها و سبب‌های خانوادگی به استثنای نسب و سبب پیامبر اسلام (ص) قطع خواهد شد (باب ۷۶). در قیامت همه مردم به استثنای کسانی که خداوند اراده کرده باشد، محاسبه خواهند شد (باب ۷۷). در قیامت هر گروهی از مردم را با نام امامشان فراخوانند خوانند (باب ۷۸). در این روز انبیاء، ائمه اطهار (ع) و مؤمنان با اذن الاهی مسلمانان فاسق را شفاعت خواهند کرد (باب ۷۹). وی محاسبه اعمال مردم را در روز قیامت به دست ائمه اطهار (ع) می‌داند (باب ۱۱۶).

### بهشت و جهنم

شیخ حر عاملی معتقد است که بهشت و جهنم خلق شده‌اند و هم‌اکنون وجود دارند و هر کسی آن را دروغ پندارد، کافر است (باب ۸۰). سپس به انواع نعمت‌ها و عذاب‌های الاهی در بهشت و جهنم اشاره می‌کند: در بهشت انواع نعمت‌ها وجود دارد و هر آنچه که اهل بهشت اراده کنند در آن می‌یابند (باب ۸۱). در جهنم انواع مختلف از شدیدترین عذاب‌ها وجود دارد (باب ۸۲). مؤمنین در بهشت و کفار در جهنم مخلّد خواهند بود و نعمت‌ها و عذاب‌های آنها نیز دائمی و ابدی خواهد بود (باب ۸۳).

### حکم مرتکبان کبائر

وی معتقد است که مسلمانان فاسق در آتش جاودانه نمی‌مانند؛ بلکه از آن خارج و داخل در بهشت خواهند شد. این سخن که مرتکبان محرمات وارد بهشت نمی‌شوند، یا مخصوص کسانی است که بعد از ثبوت تحریم آن را حلال می‌دانند که آنها کافر هستند و یا بر این حمل می‌شود که آنان قبل از عذاب وارد بهشت نمی‌شوند (باب ۸۴).

**حجت (نبوت و امامت)**

باب‌های ۸۵ تا ۱۲۰ از ابواب اصول اعتقادی کتاب *الفصول المهمه* غالباً به مباحث نبوت و امامت اختصاص دارد. از این ابواب می‌توان با عنوان حجت یاد کرد، هر چند خود مصنف به چنین عنوانی اشاره نکرده است.

**وجوب حجت و لزوم معرفت و اطاعت از امام**

مادامی که تکلیف وجود دارد زمین از پیامبر یا امام خالی نمی‌ماند (باب ۸۵). شناخت امام (باب ۸۶) و اطاعت از ائمه (ع) بر هر مکلفی واجب است (باب ۸۷). ائمه اطهار (ع) هدایت‌کنندگان مردم به سوی صراط مستقیم الهی و ابواب الهی برای ورود مردم به دین خداوند هستند (باب ۸۸). انتخاب امام بر مردم جایز نیست؛ بلکه امامت شخص یا از طریق نصی که از امام قبلی وارد شده ثابت می‌گردد یا از طریق اعجازی که از جانب مدعی امامت صورت می‌گیرد (باب ۹۰). وی در کتاب *اثبات الهدات* می‌فرماید: «عقیده تمام علمای امامیه بر این است که وجود پیامبر و امام واجب است و زمین خالی از پیامبر و امام باقی نمی‌ماند و شرط است که امام و نبی دارای مقام عصمت بوده و از تمامی امت افضل و اعلم و اکمل باشند... و علمای ما بر این عقاید، ادله عقلی و نقلی بسیاری را ذکر کرده‌اند... و مخالفین امامیه ایراداتی بر این عقاید دارند که تمامی آنها مطالبی غیرواقع و مغالطاتی زیباست... و ما برای اینکه از این ایرادات در امان باشیم، راه دیگری را پیموده‌ایم که آن عبارت است از صرف نظرکردن از ادعای وجوب و اکتفا بر حسن و رجحان عقلی یا شرعی وجود پیامبر و امام که هیچ عاقلی آن را انکار نمی‌کند. تمام ادله‌ای که برای وجوب گفته شده، دلیل برای رجحان و اولویت قرار می‌دهیم و آنگاه با اینکه دلالت ادله، قطعی و مسلم است از تمام اعتراضات نیز سالم مانده و از احتمالاتی که مخالفین ما گفته‌اند محفوظ است...؛ بلکه ما در مقام ادعا می‌توانیم بر جواز وجود پیامبر و امام نیز اکتفا کنیم» (رک: حرعاملی، ۱۳۹۹: ۷/۱-۱۰). او در کتاب *اثبات الهدات* آیات و روایات بسیاری را از کتب اهل سنت و شیعه ذکر می‌کند که مقصود از آن، اثبات نبوت پیامبر اسلام (ص) و امامت امامان دوازده‌گانه شیعه از طریق بیان نصوص و معجزات است.

### عصمت پیامبر (ص) و امامان (ع)

شیخ حر معتقد است که انبیا و ائمه اطهار (ع) همگی دارای مقام عصمت هستند و گناهی از آنها صادر نمی‌شود (باب ۱۱۲). ملائکه نیز دارای مقام عصمت‌اند و از هر گناه و معصیتی به دور هستند (باب ۱۱۳). وی در جایی دیگر هرگونه فراموشی و خطا را از معصومین نفی می‌کند و در این زمینه به پاره‌ای از دلایل عقلی و نقلی اشاره کرده و اعتقاد کسانی را که معتقد به سهوالنبی هستند، رد می‌کند و به تفسیر و تأویل ظواهر روایاتی که بر این موضوع و نظایر آن دلالت دارند، می‌پردازد (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۲۱). به نظر وی آنچه از انبیا و ائمه اطهار (ع) صادر شده و موهم گناه است باید به تأویل برد و ترک اولی محسوب کرد؛ چرا که عصمت انبیا قطعی است و به همین علت گفته شده است: «حسنات الابرار سیئات المقربین». بعضی از اصحاب گفته‌اند: آنجا که تمام اوقاتشان پیامبران و امامان مستغرق در توجه به خداوند بود و قلوبشان دائماً مشغول طاعت او بود و در عبادت او جدیت تمام داشتند، از این‌رو هرگاه به امور مباح و یا انجام شهوات مثل خوردن و نوشیدن و ازدواج مشغول می‌گشتند، آن را گناه شمرده و از آن طلب مغفرت می‌کردند. هر گاه که توهّم واقع شدن گناه از طرف اهل عصمت پیش آید، به همین معنا حمل می‌شود (حرعاملی، ۱۴۰۲: ۷۰، ۲۵).

### علم پیامبر (ص) و امامان (ع)

به نظر شیخ حر عاملی فقط ائمه اطهار (ع) از تفسیر قرآن (باب ۱۲۰) و تمامی معارف آن اعم از تأویل، ناسخ، منسوخ، محکم، متشابه و جز اینها آگاهی دارند (باب ۹۱) و معتقد است پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) به تمامی علوم که از آسمان نازل شده، آگاه بوده‌اند (باب ۹۲). همه اعمال انسان در هر روز بر پیامبر و ائمه (ع) عرضه می‌شود (باب ۹۳). در هر سال ملائکه و روح در شب قدر بر زمین فرود می‌آیند و آنها را به تمامی آنچه که در آن سال از قضا و قدر الهی رخ خواهد داد، آگاه می‌کنند. وی ائمه (ع) را به تمامی علوم انبیا آگاه می‌داند (باب ۹۴) و اعتقاد دارد که پیامبر (ص) و ائمه (ع) از همه علم غیب الهی با خبر نبوده‌اند؛ بلکه بعضی از آن را با اعلام الهی می‌دانسته‌اند و زمانی که اراده می‌کردند چیزی را بدانند، می‌دانستند (باب ۹۵). ائمه (ع) تمامی کارهایشان را با امر الهی و عهدی که از جانب او داشتند، انجام می‌دادند و هرگز از

آن امر و عهد الاهی تجاوز نمی‌کردند (باب ۹۶). وی معتقد است که پیامبر اسلام (ص) خواندن و نوشتن به تمامی زبان‌ها را می‌دانسته (باب ۱۰۳) و ائمه اطهار (ع) نیز به تمامی زبان‌ها و به آنچه که مردم نیاز دارند، آگاه بودند (باب ۱۰۴).

شیخ حر عاملی ادعای امامت را بدون اهلیت داشتن برای آن و نیز انکار امامت امام بر حق را موجب کفر می‌داند (باب ۹۷) و معتقد به وجوب تسلیم مردم در برابر ائمه (ع) است (باب ۹۸). پیامبر (ص) و ائمه (ع) حجت‌های الاهی بر تمامی انسان‌ها و اجنه‌اند (باب ۹۹).

آنچه حق نیست باطل است و آنچه هدایت نیست گمراهی است؛ یعنی حق و باطل، هدایت و گمراهی، حسنات و سیئات، همه بیان شده و آشکار است (باب ۱۰۸) و هر چیزی که حق است و به دست مردم رسیده از جانب ائمه اطهار (ع) است و هر آنچه که از جانب ایشان نباشد باطل شمرده می‌شود (باب ۱۰۰).

#### برتری پیامبر (ص) و ائمه (ع) از همه مخلوقات

شیخ حر عاملی معتقد است که امام باید از همه مردم در علم، فضائل و کمالات برتر باشد (باب ۸۹) و بر همین اساس پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) را از تمامی مخلوقات حتی انبیا و اوصیا و ملائکه، افضل می‌داند و نیز انبیا را افضل از ملائکه می‌شمارد (باب ۱۰۱). وی در جایی دیگر پیرامون موضوع فضیلت می‌فرماید: «از ضروریات مذهب امامیه این است که امام و نبی در علم و معرفت باید افضل و اکمل از تمامی جن و انس باشند و تقدیم مفضول بر فاضل قبیح است تا چه رسد به تقدیم مفضول بر افضل» (حرعاملی، ۱۴۳۲: ۱۲۵).

#### عالم ذر

وی معتقد است که خداوند همه مردم را بر فطرت توحیدی آفریده (باب ۱۰۷) و در عالم ذر همه مردم را مکلف به اقرار به توحید، نبوت و امثال آن کرده است؛ ولی بعضی از متکلمان<sup>۲۲</sup> با استفاده از ادله ضعیف ظنی و غیرتام، این مطلب را انکار کرده‌اند؛ لکن احادیث و آیات قرآنی دیدگاه آنها را رد می‌کند (باب ۱۰۶).



### خاتمیت

شرایع پیامبران اولی‌العزم قبل از نسخ، همه مکلفین را شامل می‌شده است. شریعت پیامبر اسلام (ص) تا روز قیامت باقی خواهد ماند و هرگز نسخ نخواهد شد؛ یعنی شرایع سابق منسوخ شده و پیامبر اسلام خاتم پیامبران است (باب ۱۰۹).

### اسلام، ایمان و کفر

شیخ حر اسلام را اقرار کردن به اعتقادات صحیح و ایمان را اقرار به زبان، باور قلبی و عمل کردن به آن باور می‌داند. وی ادله بعضی از متکلمان<sup>۲۳</sup> که ایمان را مجرد تصدیق می‌دانند، ضعیف می‌شمارد و بعضی از احادیثی را که بر آن دلالت دارد حمل بر تقیه یا مجاز می‌کند (باب ۱۱۰). اگر کسی واجب یا حرامی از واجبات و محرّمات الهی را حلال بداند و یا منکر و جوب و حرمت آن شود و یا آن را کوچک شمارد، کافر شده است (باب ۱۱۱). ممکن است منظور شیخ حر از این سخنان صوفیان باشند (حرعاملی، ۱۴۳۲: ۶۴).

### تبری از دشمنان

شیخ حر عاملی بغض و دشمنی با دشمنان الهی و تبری از آنها و امامانشان را واجب می‌داند (باب ۱۱۵). وی اقتدا به دشمنان دین و تشبّه به آنها را حرام می‌داند و دوستی با دشمنان خدا و دشمنی با دوستان خداوند را از علائم صوفیان می‌شمارد (حرعاملی، ۱۴۳۲: ۲۳۷).

### فرقه ناجیه

وی حدیث افتراق را در میان شیعه و سنی متواتر می‌داند و معتقد است تنها یک فرقه از تمامی امت نجات پیدا خواهد کرد (باب ۱۱۷) و این فرقه ناجیه را همان متمسکین به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) می‌داند که در اعتقادات، عبادات و احکام، از ائمه معصومین (ع) پیروی می‌کنند. وی تفصیل بیشتر در این باره را به رساله‌های علمای امامیه علی‌الخصوص به رساله بیان الفرقه الناجیه<sup>۲۴</sup> نوشته شیخ ابراهیم بن علی قطیفی،<sup>۲۵</sup> ارجاع می‌دهد (باب ۱۱۸).

### امام دوازدهم (ع) و رجعت

شیخ حر عاملی صاحب هر پرچمی را که قبل از قیام قائم آل محمد (ع) برای خروج برافراشته شود، ظالم می‌داند (باب ۱۱۹). وی همه ائمه (ع) را قائم به امر الاهی دانسته و معتقد است که دوازدهمین امام بعد از غیبتش قیام به شمشیر می‌کند؛ زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ دین الاهی را در زمین ظاهر می‌سازد و دشمنان را سرکوب و مضمحل می‌گرداند (باب ۱۰۲).

وی در رساله‌ای با نام کشف التعمیه فی حکم تسمیه صاحب الزمان، اظهار نام حضرت ولی عصر (ع) را قولاً، فعلاً و تقریراً جایز دانسته و روایات مخالف این قول را حمل بر تقیه می‌کند (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۴۰۵/۶).

وی در کتاب الايقاظ بر صحت رجعت ائمه (ع) و امکان و وقوع آن، استدلال کرده و روایات و آیات بسیاری پیرامون رجعت ارائه می‌دهد. سپس شبهات منکران رجعت را مطرح کرده و به آنها پاسخ می‌دهد. یکی از ابواب این کتاب پیرامون دولت بعد از امام مهدی (ع) است (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۳-۶).

یکی دیگر از مطالبی که شیخ در مورد رجعت به آن اشاره می‌کند موضوع رجعت حضرت عیسی (ع) است. او می‌گوید: «در احادیث متواتر تصریح شده که عیسی به زمین برمی‌گردد و از قرآن نیز استفاده می‌شود که او وفات کرده است؛ زیرا قرآن از زبان او نقل می‌کند که در قیامت عرض می‌کند: «من تا مادامی که میان آنها بودم گواشان بودم و چون مرا برگرفتی تو خود نگهبانان بودی» (مائده: ۱۱۷)... احادیث هم در این مورد بسیار است؛ اگر چه بعضی از اهل سنت منکر وفات او هستند؛ ولی قول آنها معتبر نیست و این [انکار وفات عیسی] از جهت تندروی در انکار رجعت است. آنها مرگ او را انکار می‌کنند تا رجعت ثابت نشود (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۳۰۴-۳۰۵).

### پی نوشت

۱. عبدالسلام بن محمد بن حسین حر، صاحب کتاب ارشاد المنصف البصیر الی الجمع بین اخبار التقصیر است (حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱/و).
۲. علی بن محمود عاملی از شاگردان شیخ محمد فرزند صاحب معالم بوده و صاحب کتاب امتحان الافکار فی مسئله الدار است (حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱/ز).
۳. زین الدین بن محمد بن حسن بن زین الدین شهیدثانی، متوفای ۱۰۶۴ق و از شاگردان شیخ بهایی و محمد امین استرآبادی است. وی از شدت احتیاط کتابی تألیف نکرده؛ ولی شیخ حر عاملی از او با عنوان شیخنا الاوحد و لانظیر فی زمانه یاد کرده و از او بسیار تجلیل کرده است (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۹۲/۱).
۴. حسین بن حسن بن یونس ظهیری عاملی عینائی از شاگردان محمد امین استرآبادی در مکه بوده است. وی تألیفاتی نیز داشته است که از جمله آنها کتابی در حدیث و نیز کتابی در عبادات و دعا می باشد. وی شاگردان بسیاری تربیت کرده است (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۷۰/۱ و صدر، ۱۴۰۶: ۱۷۸).
۵. محمدباقر مجلسی فرزند مولی محمدتقی اصفهانی، متوفای ۱۱۱۰ق، از بزرگان علما و فقها و محدثان شیعه و صاحب آثار ارزشمند علمی است. وی در عصر خویش منصب شیخ الاسلامی داشته است. از جمله تألیفات وی: بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار است که جامع احادیث مجامیع حدیثی شیعه است (گرجی، ۱۳۸۷: ۲۴۰).
۶. محمد بن مرتضی ملقب به محسن و معروف به مولی محسن فیض، متوفای ۱۰۹۱ق، از علمای بزرگ شیعه و صاحب آثار ارزشمندی در علوم مختلف همچون؛ فقه، حدیث، تفسیر، کلام و شعر بوده است. از تألیفات وی: کتاب الوافی در جمع و ترتیب و تهذیب اخبار کتب اربعه، المحجة البيضاء در اخلاق است (گرجی، ۱۳۸۷: ۲۳۹).
۷. محمدطاهر بن محمدحسین شیرازی نجفی قمی صاحب کتاب حجة الاسلام، شرح تهذیب الاحکام و الفوائد الدینیة فی الرد علی الحکماء و الصوفیة است. شیخ حر عاملی از او روایت نقل کرده است (حرعاملی، ۱۳۹۹: ۱/ط).
۸. سید میرزا محمد بن شرف حسینی جزایری، ساکن حیدرآباد بوده و کتاب بزرگی در حدیث داشته است. شیخ حر از او روایت نقل کرده است (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۲۷۵/۲).
۹. علی بن محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی متوفای ۱۱۰۳ق و صاحب کتاب الدرالمشهور من الخبر المأثور و غیرالمأثور می باشد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۷۶/۸).
۱۰. حسین بن جمال الدین بن محمد بن حسین خوانساری متوفای ۱۰۹۸ق، که شیخ حر از وی اجازه نقل روایت داشته است. از آثار او می توان به کتاب مشارق الشموس فی شرح الدروس شهید اول اشاره کرد (حسینی، ۱۴۲۲: ۸۹۴/۱).
۱۱. سیدهاشم بن سلیمان بن اسماعیل بن عبدالجواد حسینی بحرانی توبلی، متوفای ۱۱۰۷ق است، که

- شیخ حر از او روایت نقل کرده است. وی بیش از ۷۵ جلد کتاب تصنیف کرده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان کتاب *البرهان فی تفسیر القرآن* را نام برد (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۳۴۱/۲ و امین، ۱۴۰۳: ۲۴۹/۱۰).
۱۲. این مقاله همچون دیگر مقالات طرح اعتقادنامه‌ها در اصل مشتمل بر بخش کتاب‌شناسی آثار بود؛ لکن با توجه به ضوابط ساختاری و محدودیتی که برای حجم مقالات هفت آسمان در نظر گرفته شد، این بخش از مقاله حذف گردید.
۱۳. وی تمام کتاب *وسایل الشیعه* و کتاب‌های دیگر حدیثی را نزد شیخ حر قرائت کرده است (حرعاملی، ۱۳۶۲: ۳۲۳/۲).
۱۴. فرزند مؤلف و متوفای ۱۱۱۰ق است، وی دارای اجازه از شیخ حر می‌باشد و تعالیقی نیز بر کتب حدیثی دارد (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۵/۱).
۱۵. فرزند مؤلف و صاحب کتاب *شرح الهدایه فی الاحکام الماثوره* است (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۱/۱).
۱۶. صاحب تصانیف بسیار از جمله *شرح بدایه الهدایه فی الفقه، الصمدیه فی النحو و شرح زیارت جامعۀ کبیره* است (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۱/۱).
۱۷. صاحب اجازه از شیخ حر عاملی است (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۱/یا).
۱۸. صاحب اجازه از شیخ حر عاملی و متوفای ۱۱۵۸ق است (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۱/۱).
۱۹. از شیخ حر عاملی و علامه مجلسی روایت نقل کرده است (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۱/۱).
۲۰. احتمالاً منظور ایشان علامه حلی و شیخ بهایی و بعضی از علمای هم عصر آنها است (حرعاملی، ۱۴۰۳: ۲۱۶).
۲۱. ممکن است منظور وی جسم لطیف باشد.
۲۲. ممکن است اشاره‌ی وی به شیخ مفید در کتاب *تصحیح الاعتقاد* باشد که این احادیث را اخبار احاد دانسته و قابل استناد در اعتقادات نمی‌داند. او این قبیل احادیث را از اعتقادات تناسخیه شمرده و آنها را تأویل و توجیه کرده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۸۲-۸۱).
۲۳. ممکن است منظور شیخ حر در این باره خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی باشد که ایمان را مجرد تصدیق قلبی و زبانی می‌دانند (حلی، ۱۳۸۶: ۲۴۸/۲).
۲۴. کتاب *اثبات الفرقه الناجیه یا الفرقه الناجیه و یا الوافیه فی تعیین فرقۀ الناجیه* تألیف شیخ ابراهیم بن سلیمان قطیفی معاصر محقق کرکی است که در حدود سال ۹۴۵ق نگاشته شده و هنوز چاپ نشده و به صورت نسخه خطی نگهداری می‌شود. از آثار دیگر وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: *السراج الوهاج لدفع عجاج قاطعه اللجاج و الرساله الرضاعیه* (حسینی، ۱۴۲۲: ۷۹۲/۱ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۹۸/۱، ۱۸/۲۵، ۱۷۷/۱۶).
۲۵. در کتب اعلام از صاحب کتاب *الفرقه الناجیه* با اسم ابراهیم بن سلیمان قطیفی نام برده شده است نه ابراهیم بن علی (حسینی، ۱۴۲۲: ۷۹۲/۱ و آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳: ۹۸/۱، ۱۸/۲۵ و ۱۷۷/۱۶).

### کتاب نامه

- آقابزرگ تهرانی (۱۳۷۲)، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چاپ سوم، بیروت: دار الاضواء.
- امین، سیدمحسن (۱۴۰۳)، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۴۳)، نور ساطع (ترجمه کتاب بدایه الهدایه شیخ حر عاملی که توسط شیخ مراد کشمیری انجام شده است)، مشهد: چاپخانه خراسان.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۴۴)، رساله فی معرفه الصحابه، تصحیح سید کاظم موسوی (در ضمن کتاب سه رساله در علم رجال زیر نظر سید جلال الدین محدث ارموی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲)، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، ترجمه احمد جنتی، تهران: انتشارات نوید.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲)، امل الامل، تحقیق سید احمد حسینی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، الفصول المهمة فی اصول الائمه، تحقیق و اشرف محمد قائینی، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، ترجمه محمد نصراللهی و احمد جنتی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۶، ۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۷)، رساله فی الغنا، مصحح رضا مختاری (در ضمن کتاب موسیقی و غنا ج ۱ به کوشش رضا مختاری و محسن صادقی) قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، پیراستگی معصوم از فراموشی و خطا (ترجمه کتاب التنبیه بالمعلوم: برهان علی تنزیه المعصوم عن السهو و النسیان)، مترجم محمد اصغری نژاد، قم: نشر ادیان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۹)، اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات، تعلیقه ابوطالب تجلیل تبریزی، قم: مطبعه العلمیه، ج ۱.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۲)، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه، بیروت: مؤسسه اعلمی.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳)، الفوائد الطوسیّه، تعلیق و اشرف سیدمهدی لاجوردی حسینی، محمد درودی، قم: مطبعه العلمیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۹)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، (مقدمه: سید جواد شهرستانی)، چاپ سوم، قم: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۹)، رساله فی تواتر القرآن، تصحیح فتح الله نجارزادگان (در ضمن کتاب تراث الشیعه القرانی ج ۴ تحت اشرف: محمد علی مهدوی راد)، قم: مکتبه التفسیر و علوم القرآن.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۳۲)، رساله الاثنی عشریه فی الرد علی الصوفیه، تصحیح و تعلیق عباس جلالی، قم: انصاریان.

حسینی جلالی، سید محمد حسین (۱۴۲۲)، فهرس التراث، قم: انتشارات دلیل ما.  
 حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۶)، کشف المراد، ترجمه و شرح علی شیروانی، چاپ دوم، قم: دارالعلم.  
 سبحانی، جعفر (۱۴۲۲)، موسوعه طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق (ع).  
 شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، تصحیح الاعتقاد، قم: کنگره.  
 صدر، سید حسن (۱۴۰۶)، تکمله امل الامل، تحقیق سید احمد حسینی، باهتمام محمود مرعشی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی.  
 گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، تاریخ فقه و فقها، چاپ نهم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.